

هنر تصویرسازی در صدر اسلام

سید محمد فدوی

استادیار گروه ارتباط تصویری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

Smfadavi2006@Yahoo.com

چکیده

در این مقاله تلاش گردیده به طور اجمالی در خصوص سیر تحول هنر تصویرسازی (Illustration) در صدر اسلام و علل افت و خیز آن در آن دوره بیان شود؛ انبوه آثار تصویرسازی شده به دست آمده در طول تاریخ دین مبین اسلام، و بیان مطالب مختلف ضد و نقیض در باب حرمت یا عدم حرمت آن لزوم بررسی مکرر موضوع را می طلبد. در حال حاضر علیرغم وجود مباحث استدلالی و نیز فتاوای دینی مثبت در خصوص لزوم بهره گیری از شیوه های مختلف هنری جهت تنویر افکار عمومی، در خصوص حقایق تاریخی اسلام و نیز بیان مفاهیم علمی، ادبی و اجتماعی، شاهد اظهار نظر تعداد اندکی از افرادی هستیم که همواره از دین پدیده ای سخت و غامض می سازند و جامعه اسلامی را نسبت به شیوه های مفید و مؤثر به شک و تردید می اندازند.

واژه های کلیدی

تصویرسازی، هنر اسلامی، بیژانس، صدر اسلام

مقدمه

«دوست محمد در کتاب شرح احوال هنرمندان و نقاشان در خصوص ارزش تصویرگری و تذهیب کتب پس از اینکه از خوشنویسان دوران گذشته شرحی به دست می دهد، سپس گفتار خود را درباره «مصوران و مذهبان ماضی» با تجلیل از نقاشی و تذهیب به خاطر زیبایی و نیز اهمیت آن در تزئین خط آغاز می کند. آنگاه می گوید:

در اخبار چنین آمده است که اول کسی که به نقش تذهیب زینت افزای کتبات کلام لازم الترحیب شدند، حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین اسدالله الغالب... علی بن ابیطالب علیه السلام بودند... و چند برگ که در عرف نقاشان به اسلامی معروفست، آن حضرت اختراع فرمودند.^۲

قاضی میر احمد قمی مورخ عصر صفویه در کتاب «گلستان هنر» در قسمت «ذکر احوال نقاشان» منظومه ای دارد که در آن حکایت از حضور جمعی از هنرمندان چینی در محضر رسول اکرم می کند.

چینیان اثری زیبا و هنرمندانه را با شیوه خاص خویش نزد پیامبر آورده و از ایشان می خواهند تا هنرمندان مسلمان نیز آثار خود را ارائه دهند. هنگامی که اثر هنری چینیان در مقابل شاه ولایت گذاشته می شود، ایشان قلم در دست گرفته و نقوش تذهیبی اسلیمی را طراحی می کنند.

چو شاه ولایت بدید آن رقم

به اعجاز بگرفت در کف قلم

رقم کرد اسلامی دلربای

که شد حیرت افزای اهل ختای

چو آن اصل افتاد در دستشان

بشد نقش های دیگر پستشان^۳

هنر مردم مسلمان سرزمینهای اسلامی که از جانب صاحب نظران با عنوان «هنر اسلامی» معرفی شده است، عمدتاً در زمینه خوشنویسی، هنرهای تزئینی، هنرهای تصویری و معماری به منصفه ظهور رسیده است. تجلی نگاه شهودی، ایمان توحیدی مسلمانان و جستجو در عالم معنا در قالب و ساختاری انتزاعی از خصوصیات بارز هنر اسلامی است.

روح حاکم بر هنر اسلامی علیرغم گوناگونی سرزمینهای آن از نظر فرهنگی و ساختار اجتماعی، موجب وحدت و هماهنگی آثار در سرتاسر جهان اسلام شده است. اگرچه به دلیل تفاوت های اقوام مختلف، فرهنگ بومی هر سرزمین نیز در آثار حضور یافته و به آن شکل و شمایل ویژه ای بخشیده است.

از میان انبوه آثار هنری تاریخ اسلامی، هنر تصویرسازی که به دلیل نوع کاربرد آن کمتر وجهی انتزاعی پیدا کرده است، همواره مورد بحث و مناقشه فرق مختلف اسلامی و کارشناسان دینی بوده است. تصویرسازی هنری کاربردی است که در طول تاریخ به شیوه های مختلف جهت روایت حوادث، موضوع ها و مفاهیم گوناگون، مورد توجه قرار گرفته است.^۱ این شیوه هنری در صدر اسلام با تغییر و تحولاتی روبرو بوده است که سعی شده در این مقاله به آن بپردازیم.

تصویرسازی در صدر اسلام

آنچه مسلم است با ظهور اسلام علیرغم اینکه شبه جزیره عربستان یعنی خاستگاه اصلی اسلام سنت هنری خاصی نداشت، اما از کتاب سازی، کتاب آرایی، تذهیب و سپس در دوره های بعد از تصویرسازی حمایت فراوانی شد و انبوه کتب ساخته شده و مصور شده در طول تاریخ اسلام گواه این مدعاست.

«به طور کلی هنر اسلامی از تکنیک‌ها و تم‌هایی به وجود آمد که از کشورهای تسخیر شده اخذ شده بود. اسلام مصالحه‌ای میان هنر ایران و بیزانس و مصر به وجود آورد که در هنر تزئینی قبطی نیز وجود داشت، هنری که برای اسلام بسیار آموزنده بود.»^۴

هنر اسلامی تحت تأثیر سنت پیامبر و هدایت ایشان و سپس با هدایت رهبران اسلام پس از ایشان به سیر تکاملی خود ادامه داد. اهمیت تکثیر نسخ خطی قرآن کریم بر رهبران اسلام پوشیده نبود. لذا هنر کتاب‌آرایی، تذهیب و خوشنویسی از اعتبار خاصی برخوردار شد. حضور هنرمندان و بیش از همه، هنرمندان ایرانی در حوزه حکومت امام علی (ع)، و اهتمام آن حضرت در تهیه نسخ خطی قرآن و ارسال آن به سراسر نقاط مختلف جغرافیای اسلام، اهمیت کتاب و کتاب‌آرایی و به دنبال آن تصویرسازی و تذهیب را موجب گردید. حدود دو قرن به طول کشید که روند سیر تکاملی هنر اسلامی با پیدایش عناصر گوناگون و پیدایش و سامان‌دهی آن توانست به جریان منسجم زیبایی‌شناسی تحت نفوذ فلسفه اسلام شکل دهد. از این رو، جز تعدادی نسخ خطی قرآن کریم که برخی از آن منسوب به دوره حضور رسول اکرم (ص) و جانشینان ایشان می‌باشد، آثار دیگری از صدر اسلام بر جای نمانده است. البته برخی اشیاء کاربردی چون ظروف فلزی و سفالی متعلق به مسلمین صدر اسلام باقی مانده که، تزئین و یا تصویرسازی‌هایی روی آن به کار رفته است. بر شمشیر جنگاوران مسلمان طرح و نقشی حک می‌گردید که بر اساس آن مالک شمشیر شناخته می‌شد. اما در مجموع آثار چندانی از هنر تصویرسازی در دوره اولیه ظهور اسلام در دست نمی‌باشد. علیرغم این مسئله شواهد گوناگون مؤید این واقعیت است که هنر اسلامی در قرون اولیه نیز دارای شخصیت

ابو شکور سالمی نویسنده قرن پنجم هجری در یادداشت‌های خود در خصوص هنر اسلامی و نحوه شکل گرفتن آن، به مسئله مهمی اشاره می‌کند. بر اساس نظر او اولین سالهای الحاق ایران به سرزمینهای اسلامی و گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام، تمام تجربیات هنری و سنت‌های باستانی ایران در خدمت آئین نو درآمد و با آمیختن با فرهنگهای ملل دیگر پایه «هنر اسلامی» پی‌ریزی شد. در مناطقی از جغرافیای اسلام که روزگاری در تصرف بیزانس بود تمدن و هنر اسلامی تا حدودی رنگ هنر بیزانس به خود گرفت، اما در سرزمینهای دیگر تأثیرپذیری هنر اسلامی بیشتر صبغه ایرانی با خود داشت.

مانویان تصویر سازان ماهری بودند که قبل از اسلام در ایران و آسیای مرکزی پایگاه داشتند. پیروان مانی با این اعتقاد که با تصویرسازی و زیباسازی کتب دینی خود «ارژنگ» می‌توانند تأثیر بیشتری بر پیروان خود بگذارند، در این زمینه مهارت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده بودند. با این توصیف بدون شک رشد و توسعه هنر تصویرگری در دنیای اسلام و به خصوص در ایران اسلامی، بی‌تأثیر از هنر مانویان نبوده است.

در طول یکصد سال گذشته بسیاری از مستشرقین در خصوص نحوه شکل‌گیری هنر اسلامی و فلسفه زیبایی‌شناسی آن، نظرگاه‌های خود را ارائه نمودند. برخی از این صاحب‌نظران به دلیل بی‌اطلاعی از روح هنر اسلامی، برداشت کاملاً صحیحی از سیر تکاملی آن نداشتند، برخی نیز به حقایق قابل توجهی دست یافته‌اند.

گاستون وایه Gaston Wayeh از زبان رنه هیو «Rene Huyghe» عضو آکادمی فرانسه در مقدمه کتاب (هنر اسلامی در دوره نخستین) می‌نویسد:

بازگشت فرهنگ بت پرستی یکی دیگر از دلایل مهم گرایش هنرمندان مسلمان به هنر انتزاعی شد. لذا حدوداً تا دهه پنجم تاریخ اسلام هنرمندان از هرگونه تصویرسازی که در آن شکل و شمایل انسان و یا حیوان باشد خودداری می کردند.



تصویر ۱: مسکوکات دوره بنی امیه. مأخذ: DIE KUNST DES ISLAM

جریان شمایل شکنی در هنر بیزانس که هم زمان با دوره صدر اسلام است، مناسبات بین جهان اسلام و بیزانس را نیز آسان نمود. این واقعه تأثیر گذاری و تأثیر پذیری هنر مسیحی بیزانسی و هنر اسلامی را به همراه داشت.

«اسلام ذوق تزئین را به راهی برد که ممکن بود مسیر تکاملی کاملاً متفاوتی را طی کند. مسلمین در کارهای هنری شان فلسفه اسلام را تزئین کردند. آن ها ترکیب های جدیدی برای فرمولهای گذشته یافتند و با فرمها و نسبت ها بازی کردند. کارها همواره ماهرانه تر و پیچیده تر می شدند در عین حال هرگز موزونی شان را از دست نمی دادند.»^۶

تحریم تصویرسازی و اشاره به احادیث و روایات از جمله مسائلی است که ذهن صاحب نظران مختلف را

مستقلی بوده، و همین شخصیت مستقل هنر صدر اسلام موجب وحدت هنر اسلامی در دوره های بعدی آن گردید.

هنر هنرمندان مسلمان تحت تأثیر فتاوی فقهی و احادیث، مسیر حرکت خود را تعیین می نمود. تغییر فتاوا و برخی دیدگاه هایی که زیر بنایی نبودند و ظهور تفاسیر جدید در دوره های مختلف تاریخی، تأثیرات گوناگونی را بر شکل و شمایل هنر اسلامی می گذاشت. این روند کماکان ادامه دارد، زیرا وجود برخی فرق اسلامی که دارای فقهی پویا هستند، و بر اساس لزوم زمان فتاوی جدیدی مطابق با نیاز روز ارائه می دهند، صورت هنر اسلامی و نوع کاربرد آن را به صورت جزئی و گاهی کلی تغییر می دهد. اما هویت اسلامی آثار در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود تغییری نیافته است.

عموماً تصور می شود که مسلمین در کشیدن صورت ذی روح ممنوع بوده اند و منع مزبور هم از قرآن، یا لااقل از تفاسیر و احادیث نبوی ثابت است ولی باید دانست که آن ها اخیراً به این نهمی اهمیت داده و بنای پای بندی را گذاشتند و الا اوائل امر، آن را مثل بازی شطرنج و استعمال ظروف طلا و نقره و غیره، از مناهای خفیف (مکروه) می شمردند. پیش از همه، خلفا با نهمی مزبور مخالفت کرده از تصاویر سکه ها بر می آید که آن ها از ترسیم صورت خود در این سکه ها ابداً درنگ نمی کرده اند (تصویر ۱) (لیون، گوستاو، ص ۶۹۸).

«مفهوم و ادراک مسلمین از ماهیت و ویژگی فانی همه حقایق به آنجا انجامید که بازنمایی تصویری را به گونه نوعی کنش و عمل بیهوده به حساب آورند»^۵ این یکی از دلایلی است که در دوره های نخستین، موجب کشیده شدن هنر اسلامی به «انتزاع» گردید. دوری از بازنمایی موجودات زنده جهت دوری از هر گونه احتمال بت سازی و

تفسیر و تعبیر آنها، این ممنوعیت و تحریم تصویر فقط شامل بت و صنم است و لذا تا زمانی که تصاویر در موقع ستایش خدا موضوع ستایش قرار نگرفته معنی بر آن‌ها مترتب نیست.^۷

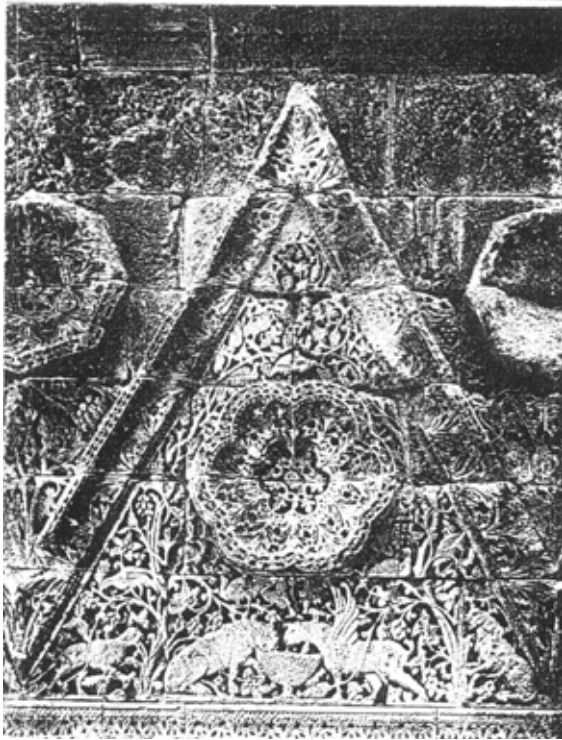
از مجموعه اطلاعات موجود نظر به عدم اشاره قرآن کریم به منع تصویرسازی در اسلام، این گونه بر می آید که تصویرسازی در آئین مسلمانی منع ذاتی نداشته و همان گونه که قبلاً اشاره شد، گریز از هر عملی که شائبه بت پرستی را به همراه داشته باشد موجب احتیاط‌هایی شد که با دور شدن از دوره جاهلیت، این شائبه به طور کلی رنگ باخت.

«ابو علی فارسی^۸ نویسنده مشهور عرب ایرانی الاصل است و در قرن دهم می زیست، او نوشته است: «هر کس که گوساله ای بسازد، خواه از فلز قیمتی یا چوب یا هر نوعی که باشد نه موجب خشم خداوند و نه سرزنش مسلمین خواهد شد.» اگر کسی به این دلیل معترض است که این سنت بر مبنای سخن پیغمبر (ص) «تصویرگران در روز جزا مجازات خواهند شد» قرار ندارد، و اینکه در بعضی نسخ این جمله به گفته دیگری «به آن‌ها گفته خواهد شد؛ حالا به این چیزها که آفریده ای جان ببخشید.» مرتبط است، بنابراین به آن‌ها باید گفت که عبارت «تصویرگران مجازات خواهند شد» به کسانی که خدا را به شکلی زمینی ارائه می کنند ارجاع دارد. هر چیز اضافه بر این، اظهارات شخصی است و حقیقت ندارد.»^۹

«برخی مورخان، تحریم صورتگری در اسلام را یکی از پیامدهای شمایل شکنی در جهان مسیحیت ارتدکس می دانند. حال آنکه بعضی دیگر برآنند که جنبش مزبور خود تحت تأثیر منع اسلامی تصویر جانداران پدید آمده است. اثر پذیری این دو موضع گیری از یکدیگر به هر صورت که باشد، مسلماً هیچ گونه تشابهی میان این دو وجود نداشته است.

به خود مشغول ساخته است. از مجموعه مطالب تاریخی این گونه برمی آید که در طول حکومت حاکمان اسلامی، بر اثر تعصب مذهبی برخی از ایشان، آثار تصویرسازی شده زایل شده و از بین رفته است. اما با دور شدن از دوره صدر اسلام، و تأثیرپذیری حکام از وقایع سیاسی و اجتماعی و ظهور تفاسیر جدید از احادیث و روایات، این تعصب کاهش یافت و انبوه آثار باقی مانده گویای این واقعیت است.

«منشاء و سرچشمه گرایش به تحریم هر نوع بازنمایی موجودات زنده هنوز چندان روشن نشده است. شکل هنرهای تزئینی جزء لاینفک زندگی انسان است که در همه فرهنگها گسترش یافته است و تصویر حیوانات هم به نوعی در هنرهای تزئینی جلوه پیدا کرده است. اما به نظر می رسد که بعضی از اقوام را تنفر و انزجار به بازنمایی موجودات زنده و از جمله انسان بیشتر بوده است. در بعضی موارد این تنفر در پیوند با نظریه های جادویی بوده و مخصوصاً در بازنمایی پیکره انسانی می ترسیدند که این بازنمایی ها به دست افراد فاسد و شروری بیفتد که در راه نابهنجار از آن‌ها بهره بگیرند. یهودیان این خرافات تصویری را وارد نظام مذهبی خویش کردند و کل هنرهای تجسمی را از فعالیت های هنری خودشان حذف نمودند. به نظر می رسد که اعراب هم که در دوره جاهلی چندان عنایتی به هنرهای تجسمی نداشتند پس از گرایش به اسلام در خصوص پیکرتراشی و نقاشی تحت تأثیر یهودیانی قرار گرفتند که به اسلام گرویده بودند. سرتامس آرنولد این نکته را در کتاب نقاشی در اسلام، آکسفورد ۱۹۲۸ م، صص ۱۳-۳ مفصلاً به بحث گرفته است. ولی در صحبت از بعضی روحانیون شهر مقدس قم و مشهد نتایج کاملاً متفاوتی حاصل شد گو اینکه آن‌ها دوست نداشتند که صحبت‌هایشان حالت مکتوب به خود بگیرد. طبق



تصویر ۲: قصرالمشتی، قسمتی از نمای خارجی سمت چپ بنا. مأخذ: از کتاب Oleg grabar



تصویر ۳: تصویرسازی با شیوه موزائیک روی دیوار کاخ خرابات المفجر در اریحای اردن، از نمونه آثار دوره اموی (اوایل قرن دوم هجری). مأخذ: The Art & Architecture of Islamic

این قصر شامل عشرتکده و حمامی است که بر دیوارهای آن، تصاویری با آبرنگ بر روی گچ رسم شده است. از جمله این تصویرسازی ها می توان به تصویر خلیفه و دشمن او رودریک آخرین پادشاه اسپانیا اشاره کرد. سایر تصاویر نیز قیصر، کسری،

جنبش شمایل شکنی در بیزانس یک رویداد تاریخی گذرا با آغاز و پایانی مشخص بود (۷۲۵_۸۴۲ میلادی). اما تحریم صورتگری در میان مسلمانان گرایشی بود که با قوت و ضعف در سرزمین ها و مذاهب مختلف رخ نمود (محتماً، از سده دوم هجری به بعد).^{۱۰}

همانطور که اشاره شد در قرآن کریم نص صریحی مبنی بر تحریم تصویرسازی نیست؛ اما می دانیم در احادیث نبوی در خصوص کراهت مجسمه سازی و نقاشی (به شیوه طبیعت نمایی) سخن رفته است. به همین دلیل برخی فقها به نهی صورتگری فتوا داده اند. اما انبوه آثار تصویرسازی شده و موضوعی در جهان اسلام به ویژه در ایران از دوره امویان تاکنون حاکی از تفاسیر گوناگون و نگاه متفاوت اندیشمندان دینی در این باره است. عمده آثار تصویرسازی به جای مانده از صدر اسلام (دوره امویان) متعلق به آثاری است که روی درب و دیوار کاخهای امویان کار شده است. (تصاویر ۲ و ۳) نمونه آثار تصویرسازی شده روی دیوار از کاخ المشتی و کاخ خرابات مفجر در اردن می باشد؛ نمونه آثار به دست آمده از مناطق اسلامی چون اردن، سوریه اغلب رنگ و لعاب هلنی داشته و تحت تأثیر هنر دنیای مسیحیت بوده است.

قدیمی ترین اثر تصویرسازی صدر اسلام که تاکنون در سوریه پیدا شده، عبارتست از آنچه که به وسیله موزیل Musil در سال ۱۸۹۸ میلادی در قصر عمره کشف گردیده است. این بنا به وسیله ولید اول خلیفه اموی در حدود سال ۹۴ هجری ساخته شده است. سقف و قسمت های علیای دیوارهای این کاخ با اشکال و تصاویر مجازی و مناظر زندگی روزانه و اشکال حیوانات و نباتات با اسلوب یونانی ترسیم شده و تغییرات ایرانی و هلنی نیز در آن به کار رفته است. (سون دیملنه موریس، ص ۳۹)

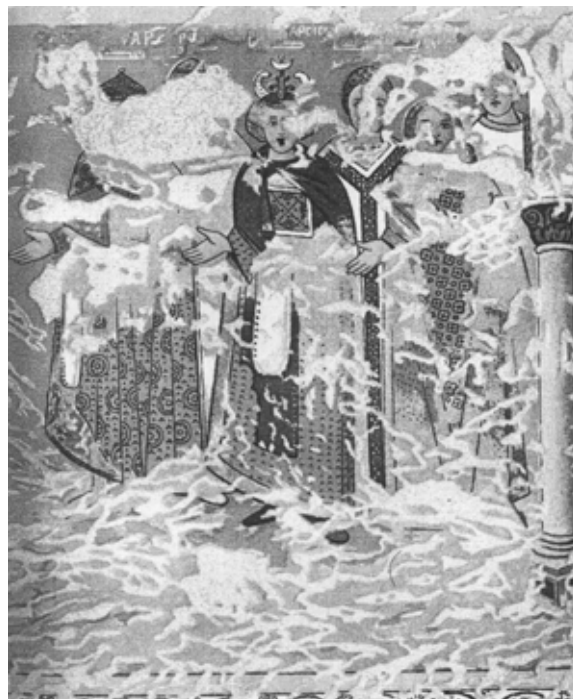
وسط دو سوارکار قرار دارد شباهت زیادی به درخت مقدس تصویرسازی های ایران باستان و بین النهرین کهن دارد. شیوه طراحی و رعایت تناسبات شکل های انسانی و حیوانی نشان از شناخت هنرمند از کار تخصصی خود دارد.



تصویر ۵: صندوقچه عاج در موزه لوور پاریس، نمونه تصویر سازی بر روی اشیای کاربردی. دوره اموی مأخذ: کتاب هنر اسلامی ارنست کونل

اما مسلمین جهت یافتن شخصیت مستقل هنر خود و عدم تأثیرپذیری از هنر مسیحی، به هنر کشورهای فتح شده که از سابقه هنری طولانی برخوردار بوده اند گرایش بیشتری پیدا کردند. در این راستا هنر ایرانی به ویژه هنر دوره ساسانی، بیشترین تأثیر را در شکل گیری هنر و معماری اسلامی گذاشت. پس از امویان عباسیان پایتخت حکومت اسلامی را به شهر تازه تأسیس شده بغداد بردند و باقی مانده خاندان اموی به اندلس در اسپانیا پناه آوردند و در آنجا خلافت اموی را ادامه دادند.

نجاشی پادشاه حبشه و امپراتور چین را نشان می دهد. (تصویر ۴) در این مکان تصاویر نمادینی از اله های پیروزی، فلسفه، تاریخ و شعر نیز وجود دارد و نیز تصاویری از زنان عریان در حال استحمام، حمله شیر به گورخر، رقاصه ها و نوازندگان نیز به چشم می خورد. (الرفاعی، ص ۸۷)



تصویر ۴: تصویر سازی روی دیوار، قصر عمره در سوریه، مأخذ: کتاب تاریخ هنر در سرزمینهای اسلامی پایان حکومت امویان در سال ۱۲۹ هجری به دست عباسیان که از فرزندان عباس عموی پیامبر بودند، رقم خورد.

فرار باقی مانده خاندان اموی به اندلس و قرطبه موجب تلفیق هنر مغربی با هنر خاص امویان شد شکل و شمایل ظاهری این آثار رنگ و لعاب هنر مغرب زمین آن دوره را با خود دارد. (تصویر ۵)، نمونه هنر امویان است که روی یک صندوقچه کار شده است. هنرمند ضمن به تصویر کشیدن درباریان اموی فضای مابین را پر از نقوش تزئینی گیاهی و حیوانی نموده است. شاید مقصود طراحی فضایی مثالی چون بهشت بوده است. درختی که در

(س) دخت پیامبر (ص) می دانستند، در سال ۳۵۰ هجری پایتخت خود را از مهدیه در تونس، به شهر جدید التأسيس قاهره منتقل کردند. فاطمیان، عباسیان را از مصر، سوریه و صقلیه (سیسیل) راندند. پس از حاکمیت مقتدرانه فاطمیان، قاهره یکی از مراکز مهم هنر اسلامی در جهان اسلام شد. نزدیکی خلفای فاطمی با ایرانیان شیعه، موجب تأثیرپذیری هنر دوره فاطمی از هنر ایران اسلامی آن دوره شد. اما توسعه قابل توجه هنر اسلامی در قاهره حتی موجب تأثیرگذاری این شیوه بر هنر سرزمینهای مسیحی غربی گردید. درخصوص استفاده از هنر تزئینی و تصویرسازی در کتاب های پوستی، دیوارها و بناها و فعالیت های هنری از این قبیل علاوه بر امویان و عباسیان، فاطمیان نیز فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند. از جمله آثار به دست آمده از این دوره، تصویر یک جوان چهار زانو نشسته است (تصویر ۶).



تصویر ۶: نمونه تصویر سازی دیواری عصر فاطمیان، قاهره ۴۷۹ هجری. مأخذ: هنر اسلامی در سده های نخستین. گاستون وایه

این تصویرسازی قسمتی از یک کار روی دیوار است. جوان با چهره ای زیبا و معصوم طراحی شده

«در دوران خلافت عباسیان (۱۳۲ هجری)، نفوذ فرهنگی و هنری مسلمانان ایرانی افزایش یافت. در این زمان، قلمرو اسلام به چنان وسعتی رسید که اداره کردن آن از یک مرکز ممکن نبوده. دیری نگذشت که با پیدایی حکومت های مستقل و نیمه مستقل در اسپانیا، مصر و ایران وحدت سیاسی جهان اسلام از میان رفت. با این حال، در این دوران، فعالیت های فکری و هنری اوج گرفت. کاخ ها و مساجد بسیاری ساخته شد، سفالگری و نساجی هویت اسلامی پیدا کرد و سبک هنری یکدستی رخ نمود که بیشتر تحت تأثیر ایران باستان بود. علاوه بر این، هنر تصویری در قالب مصورسازی نسخه های خطی توسط عرب و ایرانی، اهمیتی خاص یافت.»^{۱۱}

عناصر تصویری و نقش مایه های تزئینی بیزانسی که تا حدودی در هنر اموی خودنمایی داشت، در بغداد کاملاً محو شد.

کشیدن یک لایه گچ روی دیوار کاخ ها و بناها برای اولین بار در بغداد دوره عباسی مشاهده شد. نقاشان، تصویرسازان و هنرمندان هنرهای تزئینی نیز با به کارگیری روش های اجرایی جدید از جمله قالب گیری گچی، آثار خود را روی این لایه های گچی به اجرا گذاشتند. از حفاریها و فعالیت های باستان شناسانه، این گونه برمی آید که شهر سامرا در عراق در دوره عباسیان مرکز ظهور نوعی هنر تزئینی بوده، که در آن گرایش به طبیعت گرایی به شیوه ای که هنرمندان ترک در آن تبحر داشتند، مشاهده می شود. عمده این نقوش تزئینی و تصویرسازی ها جهت ایجاد نقش و نگار روی جنگ افزارها، ظروف فلزی و سفالی و در کنده کاریهای روی چوب و روی دیوار، به کار می رفته است. نهضت شیعی شمال آفریقا، که بعدها به فاطمیان معروف شدند و خود را منتسب به حضرت فاطمه

بین النهرین معروف است و کتب تصویرسازی شده معروف این دوره یعنی کلیله و دمنه و مقامات حریری، به سبک بین النهرین تصور شده اند. اما آنچه مهم به نظر می رسد، اهمیت به کارگیری تصویرسازی است که بر اساس نمونه های موجود می توان به اهمیت این هنر و کاربرد وسیع آن در صدر اسلام پی برد.

نتیجه گیری

از مطالب اجمالی بیان شده می توان نتیجه گرفت، هنر تصویرسازی که عمدتاً جهت بیان روشنتر موضوع های مختلف و قصص و حوادث تاریخی به کار گرفته می شود و موجب ماندگاری موضوع در اذهان مردم می شود و در ادیان مختلف از جمله در اسلام به طور گسترده ای استفاده شده است، نمی تواند محل مناقشه و شک و تردید باشد. بیان تصویری بت شکنی حضرت ابراهیم و یا نجات یافتن یونس از کام نهنگ به امر الهی و نیز به تصویر کشیدن معجزات الهی پیامبران و یا پیروزی های سرداران اسلام و موضوعات علمی و ادبی برای درک بهتر مفاهیم هرگز نمی تواند با فتاوی دینی که همواره بر اساس عقل و استدلال بیان می شود، منافات داشته باشد. بی تردید آنچه به عنوان احادیث در باب حرمت تصویرسازی آمده با مقاصد خاصی بیان شده است که در مورد آن بحث شد.

بحث در باب شمایل و به تصویر کشیدن چهره انسان و نفی یا عدم نفی آن در اسلام، از جانب بعضی اندیشمندان از زاویه دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است؛ تیتوس بورکههارت محقق مسلمان یونانی در این خصوص چنین می گوید: «وجود نداشتن تصویر دینی یا شمایل در اسلام فقط جنبه منفی ندارد، بلکه دارای معنایی مثبت است. با حذف هرگونه تصویر بشری، اقلماً در قلمرو دین، هنر اسلامی به انسان کمک می کند تا کاملاً خودش

است. دایره دور سر او بیانگر این است که این چهره متعلق به یکی از اهل بیت پیامبر اکرم است. هنرمندان شیعه هم اکنون نیز با این شیوه چهره مقدسین را از دیگران مجزا می سازند.

پذیرش تصاویری چون هیولاهای شیردالها (Griffin) و چهارپایان بال دار توسط هنرمندان مسلمان و به کارگیری این تصاویر روی ظروف، پارچه ها و تصویرسازی های روی دیوار، عمدتاً نتیجه دوری جستن هنرمندان مسلمان از طبیعت گرایی بود. اما این اشکال از ابتکارات هنرمندان مسلمان نبود، بلکه وام گرفته از تصویرسازی های آشوری و ساسانی است. (تصویر ۷)



تصویر ۴ : گریفین مفرغی، ارتفاع حدود یک متر، ۴۷۹ هجری. مأخذ: کتاب هنر اسلامی ارنست کونل

علیرغم حضور چشم گیر هنرمندان و دیوان سالاران ایرانی در دربار عباسی در بغداد؛ و نقش غیر قابل انکار هنرمندان ایرانی در شکل گیری سبک و سیاق تصویرسازی کتاب در حکومت عباسی، شیوه تصویرسازی مکتب بغداد به سبک

۷. آبهام پوپ، آرتور (۱۳۷۸) سیر و صور نقاشی ایرانی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی، ص ۱۶۵
۸. بوعلی فارسی متولد فسای ایران است و متوفی در بغداد.
۹. وایه گاستون، ص ۳۲
۱۰. پاکباز رویین (۱۳۷۸) دائرةالمعارف هنر-تهران: فرهنگ معاصر، ص ۷۲۵
۱۱. پاکباز رویین، ص ۷۲۷
۱۲. بوکهارت تیتوس (مبانی هنر معنوی)

منابع

- اسون دیمانند، موریس (۱۳۳۶) "راهنمای صنایع اسلامی" عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- الرفاعی، النور، عبدالرحیم، قنوات، (۱۳۷۷) "تاریخ هنر در سرزمین های اسلامی" گوتنبرگ.
- لیون گوستاو (۱۳۱۳) "تمدن اسلامی و عرب" محمد تقی فخر داعی، وزارت فرهنگ.

باشد. به جای اینکه روح خود را به خارج از خود افکند، انسان در مرکز وجودی باقی می ماند، آنجا که او در عین حال خلیفه و عبد خداوند است. هنر اسلامی به طور کلی می کوشد تا محیطی به وجود آورد که در آن انسان بتواند وزن و وقار فطری اولیه خود را بازیابد و بنابراین از هرگونه بت دوری می ورزد حتی به معنای نسبی و موقت آن، هیچ چیز نباید حجاب بین انسان و حضور نامرئی خداوند قرار گیرد. پس هنر اسلامی ایجاد یک نوع خلاء می کند و همه پریشانی ها و تمایلات شهوانی دنیا را از میان برمی دارد و نظامی را جای گزین آن می سازد که مبین تعادل در آرامش و صلح است. « ۱۲

آنچه بوکهارت بیان می کند شاید مهمترین دلیل شکل گیری شکل و شمایل هنر و معماری مسلمین است که در مجموع به هنر اسلامی معروف شده است. این ویژگی در تصویرسازی های مسلمین به گونه ای ظهور کرده است که علیرغم وجود فیگورها و عناصر بصری طبیعی، احساسی شهودی و لاهوتی را در مخاطب ایجاد می کند.

پی نوشت

۱. جهت اطلاع بیشتر رک به مقاله «ویژگیهای هنر تصویرسازی» تألیف نگارنده در مجله هنرهای زیبا دانشگاه تهران شماره ۲۴ زمستان ۸۴
۲. بنیون لورنس و دیگران (۱۳۶۷) سیر تاریخ نقاشی ایران، ترجمه ایرانمنش، تهران: انتشارات ص ۴۱۴
۳. گلستان هنر، فصل چهارم، «ذکر احوال نقاشان» ص ۱۲۸
۴. وایه گاستون (۱۳۶۳) هنر اسلامی در دوره های نخستین، ترجمه رحمان ساروجی، تهران: انتشارات بینا، ص مقدمه
۵. کونل ارنست (۱۳۵۵) هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: انتشارات توس، ص ۱۹
۶. وایه گاستون، ص ۲۸